

جیب یازدهم

مبانی هنرهای تجسمی

آرمین هسوفمان
ترجمه مهرنوش ارشدی

طراحی گرافیک

تنوری و عملی

حروف و نستعلیق

نقطه، خط، تقابل



ketabTala

مبانی هنرهای تجسمی

آرمین هوفمان
مهرنوش ارشدی

طراحی گرافیک

تئوری و عملی

حروف و نشانه

نقطه، خط، تقابل

مبانی هنرهای تجسمی

مؤلف: هارمین هوفمان - ۱۹۲۰ م.

Hofmann, Armin

عنوان و نام پدیدآور: مبانی هنرهای تجسمی / آرمین هوفمان.

مترجم: مهرنوش ارشدی / مصحح: جهان‌فرز.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات آبان، ۱۳۸۸.

مشخصات فیزیکی: ۳۹۱ ص. - جیبی.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۳-۵۴-۵

وضعیت فهرست‌دهی: ای.ا.

پانداخت: عنوان اصلی: [1965] Graphic Design: Principles And Practices.

پانداخت: کتاب حاضر بخشی از: مبانی هنرهای تجسمی.

تئوریک و عملی: بازنگری مجدد جزئی، مستندگویی توسط

گلدنرارت برگ در سال ۱۹۹۹ منتشر شده است.

پانداخت: عنوان رای: هنرهای تجسمی

هنرهای تجسمی: تئوریک و عملی: هنرهای تجسمی

هنرهای تجسمی: تئوریک و عملی: هنرهای تجسمی

هنرهای تجسمی: تئوریک و عملی

موضوع: هنرهای تجسمی

موضوع: هنرهای تجسمی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۳-۵۴-۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۳-۵۴-۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۳-۵۴-۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۳-۵۴-۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۳-۵۴-۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۳-۵۴-۵

ترجمه: آرمین هوفمان
مصحح: جهان‌فرز
ترجمه: مهرنوش ارشدی
مطرح گرافیک: آنتیه گرافیک ایران
ویراستار: سیاوش خوش‌دل
لینوگرافی: جامع هنر
چاپ: شادرونگ
صفحات: شادرونگ
نوبت چاپ: یازدهم
سال چاپ: ۱۴۰۰
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۳-۵۴-۵



انتشارات آبان

تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخرایی، کوچه فاضل‌نادران، پلاک ۲، طبقه همکف، واحد ۱۰، شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۰۱۲، نورنگار: ۰۲۱-۶۶۹۴۳۲۲

پست الکترونیک: info@abanbooks.com • وبسایت: www.abanbooks.com



مبانی هنرهای تجسمی، هوفمان



۹ 789648 913545
انتشارات آبان ۸۵۰,۰۰۰ ریال

فهرست

پیشگفتار: جورج نلسون ۷

مقدمه: ارمین هوفمان ۹

نقطه (متن) ۱۳

نقطه (تصاویر) ۲۱

خط (متن) ۱۵

خط (تصاویر) ۷۵

تقابل (متن) ۱۷

تقابل (تصاویر) ۱۳۱

حروف و نشانه‌ها (متن) ۱۹

حروف و نشانه‌ها (تصاویر) ۱۴۵

یافتن ظرفیت انسان در این چشم‌انداز و وضع جدید مشکلی است که همه ما با آن روبرو هستیم و جواب‌ها را در جایی مانند خیابان نمی‌توانیم بیابیم؛ چنان‌که نقاشان هم در طول جنگ جهانی دوم، این مسئله را به وضوح نشان دادند. این گروه خساس و کوچک که به تغییرات محیط بسیار حساس بودند، در بررسی یک سری از سبک‌ها، دوره‌ها و پژوهش‌هایی که نظیر آن‌ها در طول تاریخ هنر وجود نداشت، با سرعت و شدتی باورنکردنی واکنش نشان دادند.

برای آن‌ها آسان می‌بود که در حال و هوای نوستالژی و شاید به غلط تصاویر روزگار بر تکلف‌تری را انتخاب کنند، یعنی زمانی‌که کارآموزی جوان به اثبات استادی می‌رفت و یاد می‌گرفت که رنگ‌نامه‌ها را بساید، پس‌زمینه‌ها را رنگ کند، اشکال را به روش استادش ترسیم نماید و سرانجام به موضوعات اصلی پذیرفته شده عصر خود، مانند افسانه‌های کلاسیک، بپردازد.

مقایسه موقعیت‌های ایده‌آل با آنچه که در این کتاب ارائه شده و سوسه‌انگیز خواهد بود و با این مقایسه می‌توان گفت «هیچ موضوع اصلی‌ای در هنر وجود ندارد». در واقع، دیگر هیچ توافق‌ی درباره خود هنر وجود ندارد و در زیر این شرح و تفصیل ما باید به ابتدا برگردیم، تا توجه خود را به نقطه‌ها، دایره‌ها، خطوط و ... معطوف کنیم. اهمیت بدست آوردن این مهارت‌ها برای شما زمانی که مدرسه را ترک کنید و صاحب شغلی شوید، به شیوه‌ای ظاهری آشکار خواهد شد، اما معنای واقعی همه این‌ها را خودتان باید کشف کنید؛ زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند آن را به شما بگوید.

همان‌طور که گفتیم یافتن شواهدی نوین در این کتاب از زندگی مدرنی که همراه با خلأ معنوی است، و سوسه‌انگیز و به همان اندازه مرسوم خواهد بود. اما این موضوع می‌تواند کاملاً خارج از هدف مورد نظر باشد، چرا که آنچه آرمین هوفمان می‌گوید، اندکی متفاوت است. او، هم در کلمات و هم در طراحی‌هایش، می‌گوید زندگی مدرن بسیار جزء جزء است و این شرایط در تحصیلات بازتاب می‌یابد. اما او به جای دلسوزی برای این‌ها، خفایق، آن‌ها را می‌پذیرد و بدین‌گونه به این نظریه رسیده است که «تغییری بنیادی در ساختار

علی‌رغم تمام تلاش‌های ما برای ساده کردن کارها، دیگر هیچ چیز ساده نیست. این تلاش‌ها به تناوب و به منظور حفظ روند کارها گسترش یافته‌اند و این خود باعث افزایش پیچیدگی‌ها شده است. حتی در هنر، که به طور سنتی به دنیای احساسات و درک و روحیه تعلق دارد، هنرمند که در اثر کهن نقش برجسته‌ای داشته، حال به سختی دیده می‌شود. شاید بتوان گفت قامت دانشمند هم، مانند هم‌زمانی‌های همچنان ناسازگار، زیر فشار تکنولوژی در حال گسترش، رقابت‌های تجاری و مطالبات گنج‌کننده موجودیتی که به سرعت تغییر می‌کند، خم شده است. هنرمند، یا هر آنچه که امروزه می‌نامندش، مانند همه ما از شوکی که زندگی ما را در این دوره تغییرات عظیم دربر گرفته، رنج می‌برد. پذیرفتن تغییرات معمولاً سخت است، اما میزان و سرعت این تحولات امروزه غیرقابل تحمل شده است. تشخیص معنای لغاتی که طرح کلی و هسته‌شان هر روز ناآشنا تر می‌شود، آسان نیست.

در دنیایی که چشم‌اندازهایی تازه و فضایی متفاوت به وجود آمده، تکنولوژی حقیقت اصلی زندگی شده و این تکنولوژی باعث پوچی و مهملی ایدئولوژی‌های مخالف شده و دیگر فضایی برای زندگی روزانه باقی نمانده است (و به زودی دیگر هیچ نقطه‌ای در سیاره باقی نخواهد ماند) و تأثیر آن غیرقابل کنترل است. زیر چنین پورش سهمگینی، طبیعت که شامل انواع بشر هم می‌شود، به پس‌زمینه کشیده شده است و از شخص خواسته شده تا خود را به انسانی مطیع و جزء سازنده سیستم تبدیل کند. همچنین می‌توان گفت به زور اسلحه از او خواسته شده تا این عقیده را بپذیرد که دانش بیش از اندازه پیچیده شده، به طوری که حتی اگر با کامل‌ترین شیوه هم تولید شود، همه انسان‌ها نمی‌توانند از آن استفاده کنند. به او می‌گویند بر روی هر چه که کار می‌کنند، موجودیتی مستقل ندارد، بلکه جزئی از یک سیستم است و کالا یا نتیجه‌نهایی به او مربوط نیست. دست آخر، پیشگوییان مصیبت‌های ماشینی شدن دائماً به او هشدار می‌دادند که فعالیت‌های ناچیز کنونی او ممکن است در گام بعدی به صورت غیر ضروری به تکنیک منتقل شود.

پیشگفتاری برای ویرایش جدید (سال ۱۹۸۸)

این کتاب ویرایشی همراه با تجدید نظر از کتابی است که ابتدا در سال ۱۹۶۵ چاپ شده و کوششی برای ایجاد نگرشی روشن‌مند به مشکلات طراحی گرافیک است.

به دلیل اینکه کتاب درباره عوامل بنیادی است، مفاهیم نوین را با در نظر گرفتن گرایش‌های ویژه امروزی رسانه‌ها ثبت کرده است. این کتاب راه حل‌های ساده‌ای را برای مشکلات آموزشی طراحی بصری پیشنهاد کرده است. ویژگی جالب توجه کتاب سلسله تمرینات طبقه‌بندی شده‌ای است که در آن‌ها تفکر مفهومی، همیشه در بافتی از کاربرد عملی نمودار شده است.

واژه‌پردازی خودکار با کامپیوتر شخصی (PC) به سرعت در حال رواج است. اکثر مردم از امکانات نشر کامپیوتری استفاده می‌کنند، در حالی که اندکی از دانش پایه‌ای گرافیک یا چاپ آرایشی ندارند و برای آن‌ها کار کنونی، مقدمه‌ای فوق‌العاده گران‌بها است.

آرمین هوفمان

هنر کاربردی وجود داشته است و تغییرات بیش تری در حال روی دادن است. به این ترتیب وی با مواجه شدن با این حقایق، طبیعتاً به این عقیده محکم رسیده است که اگر می‌توان مشکلات را به درستی بیان کرد، پس می‌توان حلشان کرد.

آرمین هوفمان برای ایجاد این تقابل، به جایگاهی می‌رسد که دیگر تفاوتی با افراد متفکر دیگر رشته‌های پژوهشی ندارد. او می‌گوید: «باید خود را به این عقیده که تجهیزات عقلی و شغلی ما باید مکرراً نوسازی شوند، عادت دهیم.»

کسانی که نگران جایگزینی هنرمندان با پیشرفت‌های تکنیکی هستند نیز، نتیجه گیری یکسانی به دست داده‌اند. ضرورت «اتحاد» در دنیایی که راهنماهای قدیمی در آن محو شده‌اند، دغدغه اصلی هوفمان است. او به طور کلی نظریه «خودمختار بودن آموزش هنرمند» را رد می‌کند و از فقدان تفاوت بین اثر خودانگیخته با سبک احساساتی و اثری که صریحاً عقلانی باشد، صحبت می‌نماید. این‌ها سخنان هنرمند یا معلم است، اما می‌تواند حرف‌های دانشمند یا سیاستمدار نیز باشد.

هوفمان آشکارا مسئولیت‌های شهروندی را در دنیای جدید به عهده گرفته است، اما به دلیل اینکه مردی بی‌ریا و متواضع و هنرمندی کاملاً از خود گذشته است، ممکن است اهمیت کتاب او نادیده گرفته شود. اما اگر آن طور که باید به مطالب هوفمان توجه نشود، افراد نادان و بی‌بصیرت، حساسیت و زیبایی فوق‌العاده طراحی‌های او را، درک نمی‌کنند. این تصویرگری‌های دوست‌داشتنی به یادمان می‌آورد که حتی باخ هم نوشتن تمرینهای انگشتی را کسر شان خود نمی‌دانست و چون او آن‌ها را نوشته بود، دیگر آن‌ها صرفاً تمرین تلقی نمی‌شدند. اگر اساتید بیش تری با کمال هنری، هوش جامع و مسئولیت‌پذیری عمیق هوفمان وجود داشتند، امروزه پاسخ خیلی از سؤال‌های آزار دهنده‌ای که نشان آموزش و پرورش هنر هستند، ممکن بود آسان‌تر بدست آید.

جرج نلسون

به طور کلی خیلی کم، به مشکلات هنر در مدارس ما توجه شده است. آنچه نایاب می‌باشد، آن چیز نایاب توجه خلاقانه ای است که می‌توانست مرجع هر بینش نوینی در طبیعت هنر باشد و هرگونه استعدادی را پرورش دهد. فعالیت هایی که کودک در سال های اولیه عمرش به آن ها اهمیت می‌دهد؛ مانند بازی کردن، نقاشی کشیدن، مدل سازی، به هم ریختن اشیاء و ... به‌طور پیوسته در مدارس ما اهمیت خود را از دست می‌دهند. هر چند در آموزش ابتدایی، نگارش، زمین‌سستیک و بازی ها، نقاشی، آوازخوانی، موسیقی و کارهای دستی عموماً به مفهوم هنر نزدیکتر می‌شوند، اما هرچه کودک از پله‌های آموزشی بالا می‌رود، این گروه از رشته‌های آموزشی و بزگی های مشخصه خود را از دست می‌دهند. آموزش زبان که قادر به ایجاد انگیزه‌های خلاقانه است، وقتی اجباری می‌شود، یا وقتی در دبیرستان در درجه اول به سوی موضوعات سنتی سوق داده می‌شود، از حرکت بازمی‌ماند. تاریخ ادبیات، مطالعه شده است، اما دنیای تخیل و قدرت ابراز عقاید شخصی دانش‌آموزان توانسته به اندازه کافی توسعه پیدا کند. تنها طراحی است که موقعیتی منزوی و محروم در برنامه آموزشی دارد درحالی که تفکر، اختراع، تجسم، جابجایی و آهسته می‌تواند در آن به یکدیگر مرتبط شوند. این حقیقت که برنامه‌های هنری در بین رشته‌های عملی مدارس به حساب نمی‌آیند، شاهد دیگری بر این است که طراحی صرفاً در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است.

مؤسسه های آموزشی، تحت هنرستان ها و دانشکده های فنی، فاقد رشته ای هستند که طراحی و آفرینش خلاقانه بیاموزد و در عین حال ارزش تحصیلی داشته باشد. با چنین شرایط نامطلوبی، دانش‌آموزی با موهبت های خلاقانه به سختی می‌تواند پیشرفت کند. تحت فشار سیستم کنونی که بر دانش استاندارد و ارائه موضوعات اصلی تأکید می‌کند، دانش‌آموز به عاملی تبدیل خارجی می‌شود.

چه دلایلی در آموزش ما می‌تواند باعث پیشروی این

جهت‌گیری‌ها شود؟ آیا در درجه اول خود مدارس اعتقاد دارند باید به رشته‌های آموزشی، که می‌توانند منتقل، ارزیابی و ذخیره شوند، وفادار بمانند؟ - چرا که آسان‌تر از فعالیت هایی هستند که در آن موهبت های تخیل و خلاقیت می‌تواند آزادتر باشند - یا این برنامه آموزشی است که از روند حاکم که به سوی اثباتت سریع و آسان دانش حرکت می‌کند، تأثیر گرفته‌است؟ دلایل موجود برای این جهت‌گیری‌ها به سوی ارائه دانش هرچه باشد، شکی نیست که در تهیه زمینه‌ای برای کار آموزشی مفید نبوده‌اند. سؤال هایی از ترکیب‌بندی، ترکیب و واریاسیون نمی‌توانند با چنین برنامه آموزشی‌ای سروکار داشته باشند. دانش‌آموز خلاق نمی‌تواند در چنین برنامه‌ای پیشرفت کند و موهبت های بالرش او از رشد باز می‌ماند. این پنداشتی نسبتاً عمومی است که آموزش هنر، خودمختار است و قوانین خود را دارد. دقیقاً همین اشتباه مرا وادار کرد تا پیشگفتاری براساس توجه به مشکلات آموزش هنر همراه با تعدادی نظریه کلی درباره آموزش با دیدگاهی برای نشان دادن وابستگی اهداف مختلف آموزشی بنویسم. مدرسه هنر با میراثی از مشکلات لاینحل، نمونه ای از پیامد طبیعی آموزش ناکارآمد هنر در طول سال‌ها تدریس اجباری است.

دو مشخصه در بین دانش‌آموزانی که اکنون وارد کلاس های مقدماتی مدرسه هنر می‌شوند، برجسته است:

1. ارزیابی اساساً غلطی از مشکلاتی که هرکسی امروزه در زمینه هنر کار می‌کند، با آن‌ها مواجه می‌شود.

2. برخورد اشتباه با مشکلاتی که در انتظار راه حل هستند؛ باستانب انجام دادن قطعه‌ای از اثر بسیار ضروری است. اقدامات مقدماتی پیشرفته و دقیق هیچ اهمیتی ندارند.

ایمن دو نکته در ذهن من، دوباره از مسودن پایه‌های آموزش هنر ابتدایی و تخصصی را بسیار ضروری می‌سازد. بررسی سطحی ارزش های تصویری یقیناً تا اندازه‌ای پیامد آموزشی است که هیچ اصول مناسبی ندارد و باید قانعانه در مراحل اولیه به این ارزش های تصویری پرداخته می‌شود، خصوصاً جایی که شغل‌ها درگیر زندگی روزانه

شده‌اند. اگر بهره‌برداری، سابقه، مد و دیگر تأثیراتی که به سرعت تغییر می‌کنند، نیز جایی در آموزش داشتند، کار مقدمانی خوب با هدفی ابتدایی از شناخت اصول هنری، خلافتانه و تکنیکی غیر ممکن می‌بود. البته این مسئله به معنی این نیست که تمرینات دانش‌آموزان باید در خلأ انجام شود و عامل بیرونی در آن دخیل نباشد؛ برعکس، شناخت و کارایی باید از همان ابتدا در بین اهداف تمرین قرار داده می‌شد. در اینجا، اولین نگرش به فعالیت کاربردی این است: دانش‌آموزی که می‌تواند موفق بودن، سقوط و عناصر متضاد و منشعب شده را با معانی ساده نشان دهد، گام‌های ابتدایی را به سوی استفاده از هنر خود برداشته است. اشتباه است که اثر طراح چیزی به جز آشکار ساختن پیام‌ها، وقایع، عقاید و ارزش‌ها درک شود. هدف رشته‌مقدمانی، تهیه حوزه‌های مرکزی و به خوبی تعریف‌شده است که از آن، روش‌هایی می‌توانند به هر سو منشعب شوند و حرفه طراح تنها می‌تواند یکی از این روش‌ها باشد. شاید امروزه این یکی از مهم‌ترین‌ها باشد، اما نباید اشتباه کنیم و رشته مقدمانی را بیش از اندازه به عنوان الگویی برای حرفه‌ای که دائمی‌ترین موضوع به مشخص‌ترین جهت‌گیری‌های ماهرانه و تغییرات داخلی است، شکل دهیم.

درحالی‌که چند سال پیش فعالیت‌های طراحان گرافیک اساساً محدود به خلق پوسترها، آگهی‌ها، بسته‌بندی‌ها، نمادها و ... بود، کار آن‌ها اکنون گسترش یافته است تا اینکه تقریباً هر زمینه‌ای از بازتابی و طراحی را شامل می‌شود. این گسترش که باید حیطه عمل وسیع‌تری را به عهده گیرد، به دلایلی که نیاز نیست در اینجا با جزئیات مطرح کنیم، اجتناب‌ناپذیر است؛ اما باید به یکی از مهم‌ترین دلایل اشاره کرد: در سال‌های اخیر صنعتی و ماشینی‌شدن به این معنا بود که جمعی از صنعتگران که نقش مهمی را در زمینه هنرهای کاربردی بازی می‌کردند، اکنون از نقش خود در خلق هنری و طراحی محروم شده بودند و یا حتی این پیشه‌ها از بین رفتند. نشانه‌هایی وجود دارد که علاوه بر لیتوگرافساز، حکاک و حکاک‌های لوحنوئیس، نجار، هنرمند فلزکار و دیگر نماینده‌های گروه هنر کاربردی، مانند حرفه‌چین و چاپگر چاپ برجسته هم با ماشینی‌شدن حذف شده‌اند.

تغییرات ناشی از تحولات صنایع، یا حتی گمرنگ شدن آن‌ها باعث ترقی وضعیت جدید شده است. جنبه خلافت‌پیشه‌هایی که اشاره شد، اکنون تا درجه زیادی به طراحان و جنبه مکانیکی آن‌ها به طور فزاینده‌ای به ماشین‌ها واگذار شده است. این تغییرات ریشه‌ای، در ساختار هنرهای کاربردی به این معنا است که طراح، امروزه باید دانش عکاسی، طراحی‌صنعتی، چاپ‌آرایی، ملواری، بازتابی‌فضایی، تکنیک‌های بازتولید، زبان و ... را با یکدیگر بیامیزد.

واضح است که آموزگاران هر رشته‌ای، که با چنین انقلابی متحول شده‌اند، باید در جایی که ویژگی‌های هنری، عمدتاً، گمراه‌کننده هستند، تصمیم بگیرند. خلق رابطه نزدیک‌تر بین تئوری‌هایی که تاکنون منزوی بوده‌اند، موضوعی است که از محدوده هنر با فراتر گذاشته و ممکن است یکی از بزرگ‌ترین مشکلات عصر ما به شمار آید. از این دیدگاه ساختار اکثر برنامه‌های آموزشی برای شکل‌دهی به انگیزه‌های تازه، ناکافی و نامناسب است. بنابراین، ضروری است آموزگاران تفکر برحسب دستاوردها را متوقف کنند و بدین‌گونه راه را برای چشم‌انداز گسترده‌تری از فعالیت‌ها و روابط بهتر و عمیق‌تر زنده‌تر باز کنند.

دانش‌آموزان باید خط، سطح مسطح، رنگ، ماده، فضا و زمان را به طور کاملاً منسجم بشناسند؛ مثلاً، با توسعه دادن زاویه دید از سطح دو بعدی به فضای سه بعدی، جفت‌های مختلفی از عناصر متضاد فراهم شده‌اند و امکانات تقابلی بسیار بیش‌تر و گرانبهرتری نسبت به سابق وجود دارد که در گذشته از طریق سطح مسطح یا تایین خود از نقطه - خط، پاریک - ضخیم، دایره - مربع، تأثیرات ملایم - سخت و ... فراهم شده بود؛ اضافه کردن بعدی جدید به معنای توسعه اصول طراحی، نه صرفاً به معنای افزایش شماره‌های نظم موجود، بلکه به معنای کامل کردن پیوسته واحدی توسعه‌یافته است.

ارزش‌های اختصاصی باید در رابطه با وجوه مشترک و عام خود بررسی شوند. لازم است که برنامه‌های آموزشی تهیه شود و معلمانی انتخاب شوند تا هر حوزه‌ای از موضوع اصلی بتواند مقابلاً با دیگری ارتباط داشته باشد. به جای انباشت گسترده موضوعات، واحدی پدیدار خواهد شد که در

که بیش تر مکانیکی هستند و ماهیتی غیرشخصی دارند و تمام اصول فکری ما را به چالش می‌کشند. درک کنیم. مثلاً، هم اکنون می‌توانیم به طور مبهم در طرح کلی یک سبک جدید از طراحی و ترسیم، ببینیم یا خودکارهای نوک توپی، مازیک، قلم رایپدوگراف و ... به وجود آمده است.

مدرسه‌ها باید شش‌پا با این دیدگاه مخالفت کنند که اگر ابزار مدرن داشته باشی می‌توانی بی زحمت به موفقیت و پول برسی. وسایل و کمک های آموزشی، برای ما پیچیده‌تر از آن هستند که بتوانیم قطعاً از آن‌ها استفاده کنیم؛ ابداعات پیچیده برای اینکه بتوانند به شکل مسئولانه استفاده شوند، به دانش بیش تری نیاز دارند.

مدارس باید به جای تطبیق دادن خود با پیشرفت سریعی که امروزه در هر زمینه‌ای رخ می‌دهد، در حوزه‌ی فعالیت هایشان، خود در چنین پیشرفت هایی پیشگام شوند؛ باید نقش خود را به عنوان راهگشا به یاد داشته باشند و خود را طبق آن به رسمیت بشناسند. انسان امروزی به شکلی مژمن دچار کمبود وقت است. هرچه ذخیره انرژی یک فرد خلاق کم تر باشد، استراحتش هم کمتر خواهد بود و از تعادلی که بین ارزش‌ها ایجاد می‌کند، اهمیت بیش تری خواهند داشت.

امروزه، هراندازه حرفه‌هایی که هنوز خلاقانه در ساخت یک اثر هنری مشارکت دارند، کم تر باشند. مؤسسات آموزشی که رشد هنری می‌تواند در آن‌ها رخ دهد، باید کامل‌تر و به طور اساسی‌تری تجهیز شوند. هرچه کارهای تجربی افرادی که درگیر کار حرفه‌ای هستند و قصد دارند نهایت استفاده را از آن ببرند، کم تر باشد، مدارس باید انرژی بیش تری را به پژوهش و تحقیقات اختصاص دهند. این موضوع برای ما اهمیت خاصی دارد، چرا که تاکنون عادت داشتیم بر روی موضوعات اصلی (و حتی نتایج) که از طریق کارورزها آماده می‌شدند، کار کنیم؛ اکنون می‌توانیم با وضوح بیش تری طرح و ترغیب روند کار بدست آمده را بشناسیم که البته این وظیفه ما است. این موضوع تا حدی مخالف تکنیک تیلرمانی مدرن است که غالباً از موفقیتها استفاده می‌کند، اما چیز جدیدی خلق نمی‌کند. نمودارهای فروش در این جریان آن قدر متغیر هستند که با رویدادهای پیش رو رقم زده می‌شوند.

آن جنبه‌های گوناگون دائماً در هم نفوذ کرده و یکدیگر را برقرار می‌کنند. حتی باید به نواحی به ظاهر دور از هم توجه بیش تری شود تا بتوان ترکیبات جدید ساخت و نیروها را ترکیب کرد.

مشکل قبول داشتن تدریس پایه‌ای و آموزش تخصصی در هنرستان‌ها برای ایجاد توجه بیش تر جنجال به پا کرده است؛ خصوصاً به دلیل موفقیت‌های عملی که در صنعت و تکنولوژی به وجود آورده است. خیلی از وسایلی که به منظور بیان خود به آن‌ها خو گرفته بودیم، ماشینی شده‌اند. این درست است که خودکار و مداد وسیله پایه‌ای باقی مانده‌اند، اما وسایل، مذاهات، مداد شیمی‌ها و دیگر محصولات مکانیکی تولید شده به دست صنعت (همگی با مشخصات ماشین های کوچک دستی) دانش آموزان را سردرگم کرده اند.

صنعت کاغذ که برای پیش‌سازی هر درجه‌ای از رنگ برقرار شده است، هم‌امیزی رنگ در ترکیب را قدیمی جلوه می‌دهد؛ صنعت کاملاً رشد یافته شکل‌گیری حروف چاپی تمام کار ما با طراحی حروف را تغییر داده است. دوربین علی‌رغم چندکاره بودن که به شکلی نامحدود شامل رتالیسم، اپتوره، حرکت، رنگ و ... می‌شود، دیدگاه هنری نویسی را پیش‌فرض قرار می‌دهد و در پس‌زمینه مراحل بازتولیدی یا قوانین خودشان که هنوز از شناخت کامل دور هستند و حقیقتاً، به طور پیوسته و در نتیجه عقاید ساده‌نگار که به کلی منطقی هستند، نقش شده‌اند.

بنابراین مدارس در بررسی، امتحان و دسته‌بندی ابزار بازنمایی و تولید که دائماً در بازار پدیدار می‌شوند، با کاری جدید روبرو هستند. تولیدکنندگان اغلب توجه اندکی به پیشرفتگی که ایجاد کرده‌اند، دارند. تاکنون مدارس این مشکل را نادیده گرفته‌اند و دانش‌آموزان را در انتخاب وسایلهشان تنها گذاشته‌اند. مثلاً، تا به امروز هر ابزاری که برای تولید درجات مختلف رنگ خاکستری به کار می‌رفت (اعم از مداد، زغال، قلم مو و ...) و هر وسیله‌ای که برای رنگ آمیزی به کار برده می‌شد (مثل مداد رنگی، گچ رنگی، قلم مو و ...) مناسب و انتخابی طبیعی پنداشته می‌شد اما اکنون، ناگهان مجبور شده‌ایم تا وسایلی جدید را

از این کتاب دانشجو قدم به قدم از اولین اصول و مبانی تالیف‌هایی با جزئیات بسیار پیچیده
فرزانه‌نویس می‌کند. همچنین عناصر تصویبی و فرم‌های آلفا و فواید آمیسی نشان داده شده‌اند.
این کتابی است که تمام طراحان گرافیک و تایپوگرافی به آن نیاز دارند.

آرمن هوفمان عنوان کتاب ۱۹۲۰ در رویج منیر گروه طراحی گرافیک در مدرسه هنر و صنایع دستی
پاریس در سال‌های ۱۹۳۷، ۱۹۴۷، ۱۹۵۷ بود. او مدرس گرافیک در دانشگاه‌های نیویورک، نیویورک، مدرسه
هنر آمریکا و طراح آزاد در رشته‌های طراحی گرافیک، نقاشی و مجسمه‌سازی بود.

تاریخ‌های مهم زندگی هنری آرمن هوفمان

- ۱۹۲۱ هنرمند نام، مدرس گرافیک.
- ۱۹۲۶ امپراتور مؤسسه هنر طراحی در هند، مدرس.
- ۱۹۲۶ نیویورک، مؤسسه طراحی گرافیک آمریکا، مدرس پوستر.
- ۱۹۲۹ لندن، مدرسه مرکزی هنر‌های نمایشی‌ها.
- ۱۹۲۲ مونیخ، لیندگرافیک، مدرس پوستر.
- ۱۹۲۱ نیویورک، مدرسه هنرهای مدرن، مدرس پوستر.
- ۱۹۲۲ پاریس، مدرسه طراحی گرافیک.
- ۱۹۲۷ فرانکفورت، کالج هنری، امپراتور هنر، آرمن هوفمان.
- وهمان زمانگاه در سال ۱۹۲۸ تورنو کتابخانه.
- ۱۹۲۷ دانشگاه هنر فرانکفورت، استادان نشان دکوراتیو کتابخانه به نام آرمن هوفمان.

